

شورای عالی صلح:

هیچ بخشی از طالبان

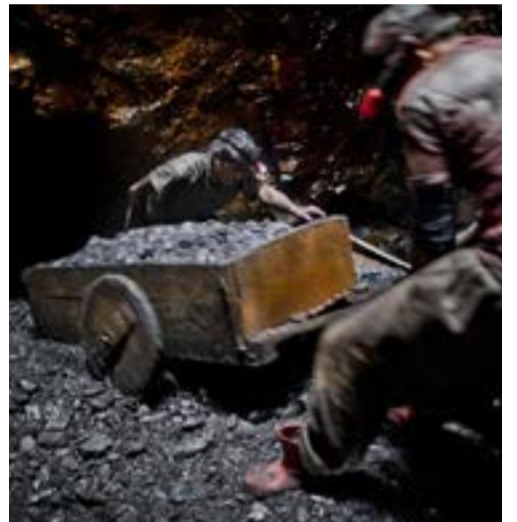
از نفوذ گروه چهارجانبه خارج نیست



دولت افغانستان به تازه‌گی فهرست نام‌های ده طالبی را که قرار است در نشست گفت‌وگوهای صلح شرکت کنند، به پاکستان سپرده است، تا هنوز مشخصات و نام‌های این ده تن به رسانه‌ها داده نشده است. اسماعیل قاسمیار مشاور امور بین‌المللی شورای عالی صلح با آن‌که از این طالبان نام نمی‌برد، اما می‌گوید: «هم‌آهنگی میان دولت و شورای عالی صلح وجود دارد و هیچ مسأله‌یی را از هم‌دیگر پنهان نمی‌کنند.»

صفحه ۶

معادن بدخشان در چنگ طالبان



طالبان روزانه ۱۵ هزار دالر از بخش معادن طلای افغانستان سود می‌کنند.

فرمانده امنیه بدخشان روز گذشته به ایرنا گفت: طالبان از این معادن، طلا استخراج می‌کنند و آن را به فروش می‌رسانند و از پول آن سلاح و مهمات تهیه می‌کنند. جنرال سخی اندرآبی تأیید کرد که بخشی از جنگ و ناامنی بدخشان بر سر معادن طلا می‌باشد که گروه طالبان و بعضی افراد غیرمسئول از آن استفاده شخصی می‌کنند.

او افزود: طالبان در ولسوالی راغستان بیش از ۲۰۰ نیرو دارد و این گروه برای استفاده از معادن افغانستان، به ناامنی‌ها در آن مناطق دامن می‌زند تا بتوانند از معادن آن بهره‌برداری کنند.

به گفته وی، دولت افغانستان برای پاکسازی این منطقه از وجود طالبان عملیاتی را تدارک دید، اما به علت نامساعد بودن اوضاع جوی، انجام این عملیات به تعویق افتاد.

جنرال سخی اندرآبی اضافه کرد که اگر وزارت داخله و وزارت دفاع افغانستان همکاری کنند پیش از رسیدن نوروز، عملیات پاکسازی راغستان این ولایت از دست طالبان آغاز می‌شود.

وی همچنین گفت که معدن لاجورد توسط یک فرمانده غیرمسئول که با دولت و طالبان ارتباطی ندارد، استخراج می‌شود و به شکل غیرقانونی فروخته می‌شود.

شایان ذکر است که ولایت بدخشان افغانستان دارای معادن بسیار زیادی از سنگ های قیمتی مخصوصا لاجورد و طلا می‌باشد که سنگ لاجورد آن ارزش جهانی دارد.

جنرالی که هلمند را به مجاهدین تسلیم کرد

با طالبان چه خواهد کرد؟



صفحه ۳

در برگ ها



از هیروشیما تا کنر

آیا نواندیشی در اسلام ممکن است؟



نگاه انتقادی به غرب از چشم‌انداز فرانسه و آلمان



چندین فرمانده طالبان در قاریاب کشته شده‌اند



سومین نشست اقتصادی افغانستان و روسیه برگزار می‌شود

اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در افغانستان ابراز نگرانی کرده‌اند.

ماریا زاخارووا سخنگوی وزارت امور خارجه روسیه اظهارداشت که اوضاع امنیتی افغانستان نگران کننده است.

وی افزود: روسیه از فعالیت داعش و دیگر مخالفان مسلح دولت افغانستان نگران است.

سخنگوی وزارت امور خارجه روسیه تصریح کرد که حل بحران افغانستان به زمان زیادی نیاز دارد.

همچنین ضمیر کابلوف نماینده ویژه رییس جمهور روسیه در افغانستان نیز گفته بود که مقامات مسکو امیدوارند تا نشستی در سطح وزرای خارجه روسیه، چین و هند در ماه آوریل سال جاری میلادی در مسکو در مورد افغانستان برگزار کند.

و روسیه در کابل اعلام کرد.

سومین نشست اقتصادی میان افغانستان و روسیه به زودی در کابل برگزار می‌شود.

مسافر قوقندی سخنگوی وزارت تجارت و صنایع افغانستان گفت: هدف اصلی از برگزاری این نشست بهبود بخش تجارت و ترانزیت و ویزای تاجران افغانستان است.

وی ابراز امیدواری کرد که برگزاری چنین نشستهایی می‌تواند موجب بهبود وضعیت اقتصادی افغانستان شود.

روابط دو جانبه روسیه و افغانستان با در نظر گرفتن وضعیت امنیتی حاکم در این کشور از اهمیت بسزایی برای مقامات مسکو برخوردار است.

مقامات مسکو بارها از وخیم‌شدن اوضاع امنیتی،



وزارت تجارت و صنایع افغانستان بهبود روند تجارت، ترانزیت و ویزای تاجران این کشور را محور گفت‌وگوهای سومین نشست اقتصادی میان افغانستان

احمد عمران



سخن ماندگار

ساختن مقبره داوودخان

و بی توجهی به مقبره کلکانی

محمد اشرف غنی، رئیس‌جمهور دستور داده که برای سردار محمد داوود، نخستین رئیس‌جمهوری افغانستان آرامگاه ساخته شود.

این فرمان، پس از دیدار محمد نادر نعیم، برادرزاده رئیس‌جمهور داوودخان با شماری از سران قومی ولایت قندهار، صادر شده است.

اقدام به ساخت آرامگاه برای یک سیاست‌مدار و نخستین رئیس‌جمهوری افغانستان، کار نادرستی نیست. اما از آنجایی که سال‌هاست تلاش‌های جمعی از مردم افغانستان برای ساختن مقبره امیر حبیب‌الله کلکانی یا حداقل انتقال بقایای جسد او به مکان بهتری، به جایی نرسیده است، این دستور رئیس‌جمهوری با واکنش‌هایی مواجه شده و یک بار دیگر، آن‌ها مسأله تشخیص و انتقال بقایای پیکر امیر حبیب‌الله کلکانی و یارانش را مطرح کرده‌اند.

شکی نیست که سیاست‌مداران افغانستان هر کدام محبوبیت‌ها و منفوریت‌های خودشان را در میان مردم دارند و این حب و بغض‌ها نیز بیشتر جنبه قومی و تباری دارند تا نگاه ارزشی و علمی. داوودخان و حبیب‌الله کلکانی نیز از این قاعده مستثنا نیستند. بنابراین وقتی فرمان ساخت مقبره شهید داوود خان صادر می‌شود، منطقی است که عین فرمان برای مقبره شهید حبیب‌الله کلکانی نیز صادر شود تا اسباب رضایت هواداران این شخصیت تاریخی نیز فراهم گردد.

اما مسلماً فرمان برای ساخت مقبره شهید حبیب‌الله کلکانی و انتقال بقایای او به مکانی مناسب، با سروصداهای فیس‌بومی نمی‌تواند شکل بگیرد. باید جمعی از آنانی که خواهان این اتفاق اند، طی یک برنامه منظم به ریاست جمهوری و ریاست اجرایی مراجعه کنند و چنین فرمانی را به دست آورند؛ همان کاری که توسط مردم قندهار و برادرزاده شهید داوودخان صورت گرفت.

سال‌هاست که درخواست انتقال بقایای جسد حبیب‌الله کلکانی و همراهانش به جای بهتری مطرح است؛ اما هیچ‌گاه این هواخواهان و مدعیان، چه در گذشته و چه در حال و به‌خصوص در روزهایی که در قدرت فرادستی نسبی داشتند، در این زمینه دست به کار نشدند. اکنون خوب است که مردم هواخواه شهید حبیب‌الله کلکانی دست به این ابتکار بزنند و از رئیس‌جمهور به گونه رسمی بخواهند که احساس مسولیت کنند و به هدف ادای احترام به مقام شاهان و امیران افغانستان، بقایای جسد امیر شهید را به مکانی مناسب انتقال دهند و یک مرقد متناسب به شأن او اعمار کنند.

در آن صورت، اگر آقای غنی از خود دوبینه‌گی نشان داد و به حبیب‌الله کلکانی احترام قایل نشد، می‌توان اعتراض کرد و راه‌های دیگر برای این کار جست‌وجو نمود.

فراموش نشود که نادر خان، کاکای محمد داوود، پس از شکستن مهر و سوگند قرآنی‌اش، امیر حبیب‌الله خادم دین رسول‌الله را به فجیع‌ترین شکل ممکن اعدام کرد و یک فتنه قومی را در کشور به میراث گذاشت. اما حالا دولت وحدت ملی می‌تواند با ساختن مقبره شهید داوودخان و شهید حبیب‌الله کلکانی، این زخم‌های قومی - تاریخی افغانستان را مرهم گذارد. اما در صورتی که دولت به خواست مردمی که رسماً خواهان انتقال بقایای جسد امیر حبیب‌الله کلکانی اند واقعی نگذارد، ساختن مقبره شهید داوودخان، در ادامه فاشیسم قومی تعبیر می‌شود و اختلافات تباری بیش از پیش وسعت می‌یابند.

بنابراین به همه آنانی که به نام امیر حبیب‌الله کلکانی بنیاد دارند و آنانی که همواره شعار هويت سر می‌دهند و آن‌هایی که در مجلس نماینده‌گان و سایر نهادهای دولتی جا و مقام دارند، پیشنهاد می‌شود که کمر همت بندند و ساخت مقبره امیر شهید را به شکل رسمی دنبال کنند، نه این‌که با سروصداهای بی‌معنا و نداشتن برنامه برای ساخت مقبره امیر، جامعه را پریشان سازند!

از هیروشیما

تاکتیک

تصویر جنگ، خود جنگ نیست.
تصویر جنگ، آن لحظه دردناکی
است که می‌تواند حس تباهی رو
به گسترش را در انسان‌های دیگر
برانگیزد. تصویر جنگ یک نشانه
است؛ نشانه این‌که سیاهی همه‌جا
را خواهد گرفت و آن‌گاه کسی
نخواهد بود که حتا صدای دیگری
را بشنود. جنگ، نبود انسان است

که به‌سادگی می‌تواند انسان‌ها را آماده سازد که حتا علیه خود نیز اقدام کنند. ایدیولوژی با هر عنوان و تعبیری که صادر می‌شود، اما کارکردهای واحدی دارد. کارکردهای اصلی ایدیولوژی‌ها در نخستین قدم، همین توجیه کشتن و مرگ است. ایدیولوژی از بطن فاجعه بیرون می‌شود و به سوی فاجعه دیگر می‌رود. ایدیولوژی به‌سادگی می‌گوید که چرا باید انسان‌ها را کشت و در پس این کشتن چه چیزی انتظار شما را می‌کشد. طالبان با همین حربه سربازان خود را برای کشتن آماده می‌سازند. آنانی که دستور کشتن صادر می‌کنند، بدون تردید به یک خانواده و یک آرمان ارتباط دارند؛ آرمان مرگ انسانیت!

میان آن‌ها با وجود همه تفاوت‌هایی که دارند، می‌توان نقاط اشتراک فراوانی را یافت. وقتی پای مرگ و کشتن در میان است، دیگر میان هیتلر، استالین، بن‌لادن، ملا منصور، چنگیز و... فرقی نمی‌توان گذاشت. آن‌ها شیر یک مادر را خورده‌اند و به او خدمت می‌کنند: ایدیولوژی. آن‌ها حرف‌های واحدی دارند. می‌گویند کشتن آن‌ها برای بقای دیگران است.

پس از انقلاب اکتوبر سال ۱۹۱۷، وقتی دولت کمونیستی شوروی به قتل‌عام مخالفان زیر نام تفاله‌های بورژوازی آغاز کرد، ماکسیم گورکی نویسنده معروف روسی که به دلیل عواطف هنری‌اش نمی‌توانست این‌همه قتل و جنایت را ببیند، به لنین زمام‌دار وقت شوروی نامه‌یی نوشت و تلاش کرد که او را از کشتن نویسندگان و هنرمندان دولت تزاری باز دارد. اما لنین در نامه‌یی پاسخ او را داد. او برای گورکی نوشت که با کشتن دو صدهزار «تفاله بورژوازی» یک ملت به سرفرازی و بلندآوازه‌گی می‌رسد و نباید جلو چنین موفقیتی را سد شد. طالبان نیز با همین نگاه و دیدگاه می‌کشند و فاجعه می‌آفرینند!

بمباران اتمی در دست‌اند که از کشتار و قتل همه‌گانی حکایت می‌کنند. این تصویرها سبب شدند که نهادهای مدافع حقوق بشر در سراسر جهان شکل بگیرند و ندای عدالت‌خواهی و ضد جنگ را به گوش سردمداران جهان برسانند. به یمن همین تصویرها و گزارش‌ها بود که اروپا دگرگونی‌های عظیمی را پس از جنگ جهانی دوم از سر گذشتاند.

تصویر جنگ، خود جنگ نیست. تصویر جنگ، آن لحظه دردناکی است که می‌تواند حس تباهی رو به گسترش را در انسان‌های دیگر برانگیزد. تصویر جنگ یک نشانه است؛ نشانه این‌که سیاهی همه‌جا را خواهد گرفت و آن‌گاه کسی نخواهد بود که حتا صدای دیگری را بشنود. جنگ، نبود انسان است. سوال این است که چرا بشر با وجود همه این تجربه‌ها، هنوز بر طبل جنگ می‌کوبد و راه نجات خود را در کشتن خود جست‌وجو می‌کند؟ زیرا کشتن وقتی فراگیر شود، به خود شخص برمی‌گردد. کشتن وقتی به یک روال طبیعی بدل شود، دیگر کسی برای کشتن باقی نمی‌ماند و انسان خود را به سمت نابودی می‌برد.

با این حال و با همه این تجربه‌ها، انسان‌ها هنوز به دلایل زیادی دست از انسان‌کشی برنداشته‌اند. آنانی که می‌کشند، شاید هنوز نمی‌دانند که پیشتر از قربانیان‌شان، خودشان را کشته‌اند. انسان‌هایی که دستور کشتن صادر می‌کنند، بدون شک انسانیت را هدف قرار می‌دهند. هنوز در جهان ما، کشتن ساده‌ترین ابزار رسیدن به هدف‌هاست. آن کس که می‌خواهد بر دیگران سلطه براند، به ساده‌ترین راه متوسل می‌شود. داروهای روان‌گردان زیادی در جهان به نام‌های مختلف تهیه شده که کشتن انسان‌ها را روا می‌دارد. این داروهای روان‌گردان هر نام و پوششی که داشته باشند، زیر یک عنوان بزرگ قرار می‌گیرند: ایدیولوژی! ایدیولوژی آن داروی روان‌گردانی است

پس از حمله انتحاری اخیر در ولایت کنر در جنوب افغانستان، تصویری در فضای مجازی دست به دست می‌شود که بسیار تکان‌دهنده و هشدارآمیز است. در این تصویر، مرد جوانی دیده می‌شود که کودکی را در دست دارد. کودک در حمله انتحاری جان باخته و پدر او را در آغوش گرفته و اشک می‌ریزد. چهره پدر بسیار تکیده و رنجور به نظر می‌رسد. اشک در چشمان پدر حلقه زده و نگاه‌هایش به شدت غم‌انگیز و متأثرکننده‌اند؛ مثل این است که فریاد در گلویش خشکیده باشد. نگاه‌هایش به سوی دوربین عکس برداری‌ست و عمق فاجعه‌یی را که با آن روبه‌روست، به بیننده می‌رساند.

نگاه‌های پدر با مخاطب سخن می‌گویند. این نگاه‌ها، نگاه‌های تفر و انزجارند؛ نگاه‌های رنگ‌باخته و مستأصل که می‌خواهد چیزی را با «من مخاطب» شریک سازد. این تصویر می‌تواند نمادی از یک مصیبت تحمل‌ناپذیر باشد؛ نمادی که دیگر به یک تن و یک ولایت محدود نمی‌شود. این پدر کنری می‌تواند نماد روشن از سرزمینی باشد که هر روز با فجایعی از این دست مواجه است. تصویر، نماد از دست دادن و ناامیدی محض است؛ ناامیدی‌یی که حالا همه‌گیر شده و به همه جا و همه‌کس رسیده است. در آن لحظه، آن پدر درهم شکسته و متلاشی شده، به چه فکر می‌کرده است و چه کسی به این فکر افتاده که تصویر او را بردارد؟

نام این تصویر را که حالا همه جا یافت می‌شود، باید فاجعه انسانی گذاشت. این تصویر مرا به یاد تصویرهای بی‌شماری از این دست می‌اندازد که روزنامه‌نگاران عکاس در جریان جنگ‌های اول و دوم جهانی از مصیبتی که بر انسان این کره رفته است، برداشته‌اند. بسیاری از این تصویرها سبب شدند که مردم با عمق فاجعه جنگ بیشتر آشنا شوند. تصویرهای زیادی از هیروشیما و ناکازاکی پس از

موجب مشعل - برگردان: مختار یاسا - نیویارک تایمز

جنرالی که هلمند را به مجاهدین تسلیم کرد با طالبان چه خواهد کرد؟

چندین فرمانده طالبان در فاریاب کشته شده اند



رهبری می کند. طالبان فاریاب اظهارات نیروهای امنیتی درباره تلفات این گروه را رد کرده اند. معاون حزب جنبش افغانستان می گوید که در این جنگ تاکنون شش تن از نیروهای امنیتی، به شمول جنرال ستار فرمانده محافظان ویژه معاونت اول ریاست جمهوری زخمی شده اند. به گفته او، یک فرمانده پولیس شاهراه نیز در اثر زخمی که برداشته بود، جان داده است. محمدرضا رضایی، سخنگوی لوی اول فول اردوی ۲۰۹ شاهین در فاریاب می گوید که احتمال دارد نیروهای امنیتی تا پایان روز (دوشنبه، ۱۰ حوت/اسفند) تمامی مکانهای نامنن خواجه موسی را تصفیه و تلاشی کنند.

آقای رضایی می گوید، نیروهای امنیتی در مناطقی که از کنترل طالبان خارج شده اند، پاسگاههای امنیتی ایجاد خواهند کرد. اما گروه طالبان گفته اند که ادعای نیروهای امنیتی درباره تلفات آنها در خواجه موسی، به ویژه کشته شدن فرماندهان این گروه، واقعیت ندارد و جنگجویان این گروه سه پاسگاه را در پشتونکوت تصرف کرده اند.

در عملیات به رهبری معاون اول ریاست جمهوری در منطقه خواجه موسی ولسوالی پشتونکوت فاریاب، از یک روز بدین سو ۳۲ جنگجوی طالب، به شمول چندین فرمانده این گروه، کشته و والی نام نهاد طالبان در این ولایت همراه با ۲۵ تن از جنگجویانش زخمی شده است.

مسعود احمد مسعود، معاون حزب جنبش اسلامی افغانستان که با جنرال عبدالرشید دوستم در نبرد پشتونکوت حضور دارد، به سلام و پندار می گوید که مولوی کندهاری، مولوی حقیار، مولوی غنی و مولوی عزت الله از فرماندهان مهم طالبان در میان کشته شده ها و داملا ظریف، والی نام نهاد این گروه در میان زخمیان این جنگ هستند.

آقای مسعود می گوید که نیروهای امنیتی به رهبری معاون اول ریاست جمهوری، طالبان را از سه کیلومتری شهر میمنه، مرکز فاریاب، تا ۱۸ کیلومتری در منطقه خواجه موسی پشتونکوت عقب رانده اند و اکنون نبرد سختی میان با طالبان در این منطقه جریان دارد.

جنرال دوستم پس از پاک سازی ولسوالی قوش تپه و ولایت جوزجان به فاریاب رفت و عملیات «شمشیر ۲۵» در این ولایت را

واگذار کرد. پس از آن، او برای یک دهه در مسکو تبعید شد.

او پس از حمله ایالات متحده آمریکا در سال ۲۰۰۱ و سقوط طالبان، به افغانستان آمد و عضو پارلمان شد. دیدگاه او در مورد کنار آمدن با شورشیان طالبان، همانند دیدگاه آقای غنی، دلسوزانه است. رییس جمهور غنی تلاش کرده است تا با رهبران شورشیان وارد مذاکره شود و به این جنگ طولانی، پایان سیاسی ببخشد.

اما در این وضعیت بحرانی آنی، رهبران قومی تلاش های او را غیر عملی و نامیدکننده می بینند (اقدامات و رفتارهای مایوسانه ای یک فرمانده در مانده). طالبان به جای قبول پیشنهاد های صلح خواهانه رییس جمهور غنی، او را با جنگ «رو در رو» به چالش کشیده اند و به فرصت های حکومت علاقمند نیستند.

حاجی محمد ظاهر، یک منتقد قومی از ولسوالی سنگین که اخیراً با آقای قهرمان بحث کرده است، گفت: «من فکر می کنم که آقای قهرمان در خواب خرگوش است. در حال حاضر، طالبان دست بالا دارند و حکومت ضعیف است. هر زمانی که آنها (طالبان) از لحاظ نظامی ضعیف شوند، ممکن است که طالبان محلی سلاح های شان را به زمین بگذارند و به پروسه صلح بپیوندند، نه حالا».

ملا عبدالرحمن احسان، یک فرمانده طالبان در سنگین گفت که آقای قهرمان برای جریان حقارت های گذشته به هلمند بازگشته بود. ملا احسان گفت: «باید اول بجنگیم؛ و صلح و گذاشتن سلاح به زمین را فراموش کنید. اول ما باید بجنگیم و بعد از آن بالای پروسه صلح کار کنیم».

آقای قهرمان ضمن تایید این مشکلات گفت که به اندازه کافی برای جنگ با شورشیان در ولایت هلمند نیروهای امنیتی وجود دارند. به باور او شمار شورشیان در این ولایت بیشتر از ۲۰۰۰ جنگجو نیست. او تاکید کرد که نیروهای امنیتی افغان تجهیزات خوب در اختیار دارند. او ارتش جدید افغانستان به حمایت ناتو را به «گاو شیرده» با جنسیت خوب تشبیه کرد و در مقایسه با آن، ارتش یک نسل قبل به حمایت شوروی را «گاو لاغر» خواند.

او گفت، مشکلات در چگونگی مدیریت نیروها و رهبری فاسد که تدارکات را قبل از رسیدن به قطعه ها می بلعد، وجود دارند.

آقای قهرمان در رابطه با طالبان گفت: «تنها هنر آنها این است که سیار و متحرک هستند. از طرف دیگر، برای ما آماده کردن کاروانها، چندین روز را دربر می گیرد. آنها دست بالا دارند. آنها محلی هستند، با منطقه آشنایی دارند و بارشان سبک است».

آقای قهرمان هنوز امیدوار است که تغییراتی را در هلمند به میان بیاورد. او یک شعر پشتو را خواند: «اگر برای رسیدن به آن به شنا کردن ادامه بدی، آن را به دست خواهی آورد/ کی می گوید که در دریا مروراید نیست؟»

اما حاجی شرف الدین که ۵۳ سال سن دارد و در برابر آقای قهرمان در دهه ۱۹۸۰ جنگیده است، نگران است که سابقه این جنرال اسبق بار دیگر تکرار خواهد شد.

حاجی شرف الدین گفت: «فردا، طیاره دیگری برای شما خواهد آمد و ما هم تماشا خواهیم کرد».



تعدادی هم اقدامات اخیر و مشخصاً واگذاری پایگاه های نظامی در ولایت هلمند را با دیده شک می نگرند. دولت پس از یک سال پرفاجعه نظامی، شاید ولسوالی ها را با طالبان معامله کرده اند تا آنها را دور از شهر لشکرگاه نگه دارند؛ کاری را که حکومت کمونیستی در آخرین روزهای زندگی اش در جنوب افغانستان انجام داد.

صحبت های صلح خواهانه کسی که مسئول عملیات در ولایت هلمند است و این که وزیر دفاع ملی، محمد معصوم استانکزی تا سال گذشته مسئول فعال پروسه صلح بود، این شک و گمانه زنی ها را تقویت می کند.

عبدالمجید آخندزاده، معاون رییس شورای ولایتی هلمند که پدرش در دهه ۱۹۸۰ یکی از سران و مخالفان اصلی آقای قهرمان بود، گفت: «سوالی که ذهن مرا پس از عقب نشینی از موسی قلعه، آزار می دهد این است که شاید این ها می گویند ما در ولسوالی ها مقاومت نمی کنیم و شما به شهر حمله نکنید. اگر این طور نیست، چرا این ها بدون مقاومت و جنگ خارج شدند؟»

آقای قهرمان که عقب نشینی های اخیر را

زمانی که جنگجویان مجاهدین در سال ۱۹۹۳ مرکز این ولایت جنوبی را تصرف کردند، جنرال عبدالجبار قهرمان، فرمانده حکومت وقت افغانستان در این ولایت بود و شهر را تسلیم مجاهدین کرد.

او در حال حاضر و بعد از دو دهه، باز هم یک چهره دولتی در این ولایت است و پست اش در معرض تهدید و سقوط به دست شورشیان قرار دارد.

این بار در دروازه های شهر با طالبان مواجه است. شورشیان مواضع شان را در حومه لشکرگاه مرکز این ولایت، بسیار محکم کرده اند و تنها دریای آرام هلمند، فاصله میان شورشیان طالبان و مقرهای حکومتی است. این شورشیان از ۱۴ ولسوالی ولایت هلمند ۱۰ ولسوالی آن را یا تحت کنترل شان دارند و یا زیر حملات سنگین قرار داده اند.

آقای قهرمان، ماه گذشته به عنوان نماینده رییس جمهور غنی وارد هلمند شد و مسوولیت تلاش ها، حفظ و دفاع از این ولایت را علیه طالبان به عهده گرفت. اما این جنرال با سابقه، با تاکید بر این که تنها اقدامات نظامی برای دولت فایده ندارد، نیز تلاش کرده است تا فرماندهان طالبان را به میز مذاکره بکشاند.

آقای قهرمان هفته گذشته طی یک مصاحبه در مرکز فرماندهی اش در حالی که اکثر با فرماندهان نظامی، مقامات محلی و منتقدین، تلفونی تماس می گرفت، گفت: «در گذشته نیز من بدین باور بودم که راه حل مشکل این ملت، در جنگ نیست و امروز نیز به آن باور دارم. طیاره و توپ و تانک، وسایل شکست خورده ای هستند و باید بسیار کم استفاده شوند؛ تنها زمانی که شما فکر می کنید از بین خواهید رفت».

سنگ تهداب میدان کریکت

در کندهار از سوی سفیر هند گذاشته شد



نام افغانستان را در جهان درخشان کرده است.

در خبرنامه پی که دفتر مطبوعاتی ولایت کندهار منتشر کرده به نقل از والی این ولایت نوشته است، کشور هندوستان در ولایت کندهار در بخش های آموزشی، تجاری، صحتی و ورزشی کمک های زیادی در شهر کندهار کرده است.

منیریت وهرا سفیر هند در مراسم تهداب گذاری میدان کریکت در شهر کندهار، عبدالستار مراد وزیر اقتصاد، داود شاه صبا وزیر معادن، سید منصور نادری سادات وزیر شهرسازی، حکمت خلیل کرزی معین سیاسی وزارت امور خارجه و نسیم دانش رییس کریکت بورد کشور حضور داشتند.

همایون عزیززی والی ولایت کندهار در این مراسم گفت که ساخت این میدان را به همه تبریک و از کشور هند به خاطر همکاری اش تشکر کرد.

وی افزود که کریکت ورزشی است که

منیریت وهرا سفیر هند طی مراسمی روز گذشته سنگ تهداب ساخت یک میدان کریکت را در ولایت کندهار گذاشت.

قرار است این میدان کریکت توسط کشور هندوستان ساخته شود.

در مراسم تهداب گذاری میدان کریکت در شهر کندهار، عبدالستار مراد وزیر اقتصاد، داود شاه صبا وزیر معادن، سید منصور نادری سادات وزیر شهرسازی، حکمت خلیل کرزی معین سیاسی وزارت امور خارجه و نسیم دانش رییس کریکت بورد کشور حضور داشتند.

همایون عزیززی والی ولایت کندهار در این مراسم گفت که ساخت این میدان را به همه تبریک و از کشور هند به خاطر همکاری اش تشکر کرد.

وی افزود که کریکت ورزشی است که

بخش نخست



رابطه‌تان را تر و تازه نگه دارید!

غلامرضا میناخانی - کارشناس ارشد روان‌شناسی بالینی

حتماً تا به حال این سوال برای شما پیش آمده که «چرا بعضی ارتباط‌ها طولانی‌مدت و «باکیفیت» هستند، ولی بعضی دیگر کوتاه‌مدت و پرتنش؟» احتمالاً شما هم با من موافق هستید؛ آن‌هایی که رابطه طولانی‌مدتی دارند، به احتمال زیاد روش‌های خاصی را استفاده می‌کنند که رابطه‌شان دوام پیدا می‌کند. اما آن‌هایی که رابطه کوتاه‌مدتی را تجربه می‌کنند، احتمالاً یا بلد نیستند چه‌طور رابطه برقرار کنند، یا بنا به هر دلیل دیگری نمی‌توانند رابطه را ادامه دهند. اما آن‌ها چه روش‌هایی را استفاده می‌کنند که رابطه‌شان دوام پیدا می‌کند؟

من قصد دارم چند قانون ساده در رابطه را با شما در میان بگذارم که اگر این قوانین را رعایت کنید، به احتمال زیاد رابطه پایدار و باکیفیتی را سپری خواهید کرد.

برای این گفتم «باکیفیت»، چون لزوماً با دوام بودن رابطه به معنای «سالم» بودن آن نیست. برای همین حتماً باید «کیفیت» رابطه را هم در نظر داشت؛ یک رابطه طولانی‌مدت با کیفیت!

این قوانین با وجود ساده‌گی، مهارت‌هایی هستند که برای موثر واقع شدن، نیاز به تلاش دارند:

قانون اول: همسران را همان‌طور که هست بپذیرید

مطالعات نشان می‌دهد که یکی از لایل بروز تنش و کشمکش بین زوجین که احتمال جدایی را بالا می‌برد، تمایل آن‌ها برای تغییر دیگری است، آن‌گونه که خود دوست دارند. زوجینی که چنین تمایلی دارند، نمی‌توانند همسرشان را همان‌طوری که هست، بپذیرند. شاید آن‌ها متوجه نیستند که بعضی ویژگی‌ها اساساً تغییرناپذیر هستند، حداقل می‌توانم بگویم که شما قادر به تغییر دادن آن نیستید. اجازه دهید توضیح بیشتری بدهم. بعضی رفتارهایی که شما از همسران می‌بینید، «ویژه‌گی‌های شخصیتی» هستند. مثلاً برای یک فرد درون‌گرا، زنده‌گی ذهنی جذابیت بیشتری نسبت به زنده‌گی اجتماعی دارد، او از خلوت کردن با خودش انرژی می‌گیرد و در تعامل با دیگران انرژی خود را از دست می‌دهد. او تمایل دارد که حلقه محدودی از دوستانش را داشته باشد. ولی در همین حلقه کوچک، اعتماد بالایی برقرار باشد. بنابراین اگر شما یک همسر درون‌گرا دارید، تلاش برای تغییر دادن وی به یک فرد برون‌گرا و اجتماعی که در جمع‌ها نقل محافل باشد و در مهمانی جمع را به دست بگیرد، احتمالاً موجب می‌شود که رابطه شما با همسران رو به وخامت بگذارد.

چرا؟! چون او نمی‌تواند آن چیزی باشد که شما دوست دارید و همین موجب می‌شود که رفته‌رفته بر اختلاف‌های تان افزوده شود. ویژه‌گی‌های شخصیتی همیشه این چنین آشکار نیستند. مثلاً ابرادگیری یا تکانش‌گری هم ویژه‌گی‌های شخصیتی هستند و سال‌های سال طول کشیده تا این ویژه‌گی در یک فرد شکل بگیرد.

بخش نخست

آیا نواندیشی در اسلام ممکن است؟

مهدی خلجی / نویسنده ایرانی

آیا می‌توان تفسیری تازه از اسلام پیش کشید که «نواندیشانه» باشد؟ آیا نقد تفسیرهای تازه‌یی که در روزگار ما از اسلام به دست داده می‌شود، خود ذات‌باورانه نیست؟ کسی که تفسیرهای تازه از اسلام را نقد می‌کند، آیا ضرورتاً باور ندارد هر تفسیر تازه‌یی از اسلام ناممکن است؟ آیا با نفی امکان «نواندیشی» در اسلام، در دام نوعی ذات‌باوری پنهان نمی‌افتیم که در آن «ذات» اسلام، پذیرای نواندیشی نیست؟ این رشته پرسش‌ها بنیادی‌اند و پاسخ ندادن بدان‌ها ممکن است در فهم رویکرد تاریخی‌نگرانه به اسلام خلل بیاورد.

نواندیشی و اصلاح‌گری دینی

واژه «نو» در نواندیشی و ترکیبات دیگر، سخت فته‌انگیز و شیداگر است و به همین سبب، چیز چندان روشنی را

پاره‌هایی از سنت که به نظر ناسازگار با مقتضیات جهان مدرن‌اند، دور ریخته می‌شود و پاره‌هایی دیگر برجسته می‌شوند.

اقبال خود سروش به «تجدید سنت اعتزال» از سر همین اصلاح‌گری است. معتزله بخشی از سنت اسلامی بودند، نه همه آن. در نتیجه بخش‌هایی از سنت که فرآورده فکر شعری است، در این نگاه دور ریخته و فراموش می‌شود و بخشی دیگر پرورده و آراسته. عبدالکریم سروش در جاهای بسیاری، به شرح، مراد خود را از روشن‌فکری دینی یا اصلاح‌گری بیان کرده است. روشن‌فکری دینی پروای ناب بودن و توانا بودن دین و نیز همگام کردن معرفت دینی با معرفت عصری را دارد.

[۱]

رویکردهای اصلاح‌گران متفاوت است. یکی مانند محمد عبده می‌کوشد اندیشه‌های اجتماعی دوران جدید را

است. بیشترین کاری که می‌توان با این روش پیش برد، نشان دادن راه‌های بن‌بست است و رویکردهای خطا. تاریخی‌نگر و معرفت‌شناس، آینده‌نگر و پیش‌بین نیست. با همین تفسیرهای موجود سر و کار دارد و تنها می‌تواند درباره آن‌ها داورى کند.

بر این روی، اگر ناقد تاریخی‌نگری، در برابر اصلاح‌گران دینی بایستد و روش آنان را ذات‌گرا، گزین‌گر، ناتاریخی و التقاطی بخواند، به معنای آن نیست که وی هرگز به امکان پیدایش تفسیر دیگری از سنت باور ندارد و در نتیجه خود، در نهان، ذات‌گراست. تقریباً در همه گرایش‌های اصلاح‌گرایانه از محمد عبده گرفته تا تفسیرهای ابوالحسن بنی‌صدر، از عبدالکریم سروش تا احمد قابل، عناصر مشترکی وجود دارد که از منظر تاریخی‌نگری و معرفت‌شناختی قابل دفاع نیستند.

اغلب این دیدگاه‌ها، رویکردی گزین‌گرایانه به سنت دارند؛ بخشی از آن را «اصیل» می‌دانند و پاره‌یی دیگر را «انحراف». تاریخ دین را به تمامی و به یک‌سان معتبر نمی‌دانند و به گسست‌ها و شکاف‌های جدی در آن باور ندارند. بن‌پاره‌هایی مهم از سنت دینی را فراتاریخی می‌پندارند؛ مانند وحی و مصحف قرآن. اتوپایی می‌اندیشند و جایی ناکجا در پس تاریخ را نمونه‌اعلای اسلام می‌گیرند. [۲]

نقد عقل اسلامی

در برابر گفتار اصلاح‌گری، طرح نقد عقل اسلامی کسانی مانند محمد ارکون می‌ایستد. [۳] محمد ارکون این روش را در بیشتر کتاب‌های خود شرح داده و به کار گرفته است؛ از جمله در کتابی که عنوان آن را می‌توان به فارسی چنین برگردان کرد: «اسلام، اصلاح یا تغییر رادیکال روش‌فهم». [۴]

ارکون به تمایز میان عقل سنتی و عقل مدرن باور دارد و در عین حال، عقل مدرن را مفهومی ایستا و ذات‌گرایانه نمی‌شناسد و آن را مفهومی مدام دگرگون‌شونده می‌شمارد. عقل سنتی، یعنی منظومه معرفتی ویژه‌یی که پدیدآورنده نظرها و نظریه‌های شناخته شده در سنت است.

نقد عقل اسلامی، گسست میان منظومه معرفتی سنت و منظومه معرفتی مدرن را بنیادی می‌انگارد. دیدگاه گسست میان پارادایم سنت و پارادایم تجدید، یعنی مبنای نظری مفاهیم در سنت و تجدید با هم تفاوت بنیادی دارند. برای نمونه، مسأله شورا و بیعت در سنت اسلامی، با مسأله پارلمان و دموکراسی در اندیشه سیاسی مدرن، تباین مبنایی دارند و نمی‌توان از نظر معرفت‌شناختی از یکی به دیگری پل زد. همین‌طور مفهوم حق، تکلیف، اقتدار، متن، عدالت، و آزادی فرد. نقد عقل اسلامی، با بومی کردن مفاهیم از راه جست‌وجوی مشابه مفاهیم مدرن در سنت، سر‌آشتی ندارد.



با تفسیر جدیدی از قرآن منطبق کند. دیگری مانند علی شریعتی تلاش می‌کند اسلام را از فرهنگ به ایدئولوژی بدل کند و نوعی رویکرد جامعه‌شناسانه مارکسیستی را با تفسیر دل‌خواهی از قرآن درآمیزد. کسی مانند عبدالکریم سروش، رویکردی باطنی‌گرا را با فلسفه علم کنار هم می‌نهد و شماری نیز مانند یوسف صانعی و احمد قابل، می‌کوشند از درون چارچوب فقهی بیرون نروند و بر پایه همان عقل فقهی سنتی، آرای فقهی تازه‌یی را تولید کنند که با پسند زمانه بیشتر سازگار می‌افتد.

نقادی تاریخی در برابر اصلاح‌گری دینی

از چشم‌انداز تاریخی‌نگری، به هیچ روی نمی‌توان به‌طور پیشینی حکم کرد که چه تفسیرهای تازه از سنت ممکن

باز نمی‌تاباند. گرایش‌های دینی‌یی که «نواندیشانه» به شمار می‌آیند، طیف وسیعی از اندیشه‌های رهبر جمهوری اسلامی ایران یا فقیهانی چون یوسف صانعی یا روشن‌فکرانی چون عبدالکریم سروش و محمد مجتهد شبستری را در بر می‌گیرند. همه در نزد پیروان و هواداران خود نواندیش به شمار می‌آیند. پس بهتر است از کاربرد کلمه «نواندیشی» تا جای ممکن پرهیز کنیم و اصطلاح دقیق‌تری چون «اصلاح‌گری» را برای پیشبرد بحث پیش بکشیم.

«اصلاح‌گری» دینی می‌تواند اشاره به رشته‌یی از دیدگاه‌هایی باشد که می‌کوشند پاره‌یی از سنت دینی را با بخشی از ارزش‌ها و مفاهیم فرهنگی و فکری مدرن سازگار کنند. به تعبیر عبدالکریم سروش، در اصلاح‌گری هم پیرایش صورت می‌گیرد و هم آرایش؛



نگاه انتقادی به غرب از چشم انداز فرانسه و آلمان

عبدالرشید فکرت بخشی - استاد دانشگاه کابل
بخش چهاردهم

سخن پیامبر اسلام مبنی بر این که مسلمان همواره در عبادت است و حتا خواب او نیز عبادت به حساب می آید، نشان دهنده آن است که منظور از عبادت در اسلام، همان معنای وسیع کلمه است. انسان در هر حال و وضعی باید بندهگی خدا را از یاد نبرد و هر عمل خالصانه او که برای خوشنودی خداوند انجام گیرد، دارای اجر بوده و عبادت به شمار می آید. اما عبادت به معنای مضیق کلمه، در امور تعبدی دین از قبیل نماز، روزه، زکات، صدقه و ... خلاصه می شود و فراتر از این امور نمی رود. عبادت به این معنا بسیار محدود است و بخش کوچکی از زنده گی انسان را در بر دارد. هرگاه عبادت به معنای محدود کلمه را فلسفه آفرینش انسان در نظر آوریم - با توجه به واقعیت زنده گی انسان امروز - می توان مدعی شد که هدف از آفرینش انسان تا اکنون تحقق نیافته است. زیرا عبادت کننده گان به این معنا، از مرز چند فیصد محدود جهان نمی گذرند. از طرفی هم، اکثریت مردمان جهان، مسلمان و به طور اخص، مسلمان عابد نیستند. این نکته که عبادت مسبوق بر شناخت است را نباید از یاد برد. عبادت در نبود شناخت غیرممکن است، اگر چنین امکانی نیز وجود داشته باشد و کسی بتواند پیش از شناخت به عبادت دست بزند، چنین عبادتی فاقد ارزش خواهد بود. شاید از همین جاست که برخی مفسرین عبارت «إلا لیعبدون» را به «إلا لیعرفون» تفسیر کرده اند و در این زمینه، حدیث قدسی بی را که در آن خداوند متعال، هدف از آفرینش را شناساندن خودش معرفی می کند، در نظر داشته اند. با این حساب، شناخت بر عبادت پیشی می گیرد و در مقام فلسفه آفرینش انسان تکیه می زند.

این مسأله نشان می دهد که امر بیان فلسفه آفرینش انسان باید به دو بُعد نظری و عملی توجه داشت و فلسفه خلقت انسان را دارای دو بُعد نظری «شناخت» و عملی «عبادت» دانست. این مسأله نشان می دهد که در بحث از هدف آفرینش انسان، نباید به هدف واحدی توجه داشت؛ بلکه باید در پی اهداف گوناگونی برای آفرینش انسان در دین بود. عبارت «إلا لیعبدون» که از آن به «إلا لیعرفون» تعبیر شده است را می توان یکی از اهداف آفرینش انسان در نظر گرفت که ناظر بر بُعد نظری و عملی انسان است و در عرض آن می توان از

اهداف دیگری نیز در باب آفرینش انسان سخن گفت.

۱) زیبایی

مکتب جمال پرستی در عرفان اسلامی که خدا را منشی زیبایی ها و زیبایی مطلق در نظر می آورد، متکی بر آیات ناظر بر زیباصورتی انسان [مومنون: ۱۴؛ تین: ۴؛ تغابن: ۳؛ غافر: ۶۴] معتقد است که نمایش زیبایی مطلق خداوند در انسان، هدف آفرینش انسان است.

جمال ازل پیش از ایجاد عشق شهی بود اما سپاهی نداشت

و یا:
حسنت در ازل نظر چو در کارم کرد
بنمود جمال و عاشق زارم کرد
من خفته بدم به ناز در کتم عدم
حسن تو به دست خویش بیدارم کرد
عراقی

در ازل پرتو حسنت ز تجلی دم زد
عشق پیدا شد و آتش به همه عالم زد
حافظ

در این رویکرد که عشق را زاده زیبایی می داند، جمال ازلی خودش را چنان که باید، در انسان نمودار می سازد و هدف از آفرینش انسان نیز خداگونه گی و بازتابنده گی جمال مطلق و برین الهی تعریف می شود. این که خداوند انسان را به صورت خودش آفرید «إن الله خلق آدم علی صورته»، و این که خداوند زیباست و زیبایی را دوست دارد «إن الله جمیل یحب الجمال» و به تعبیر مولوی:

او جمیل است و یحب الجمال
کی جوان نو گزیند پیر زال

و این که خداوند پس از تکمیل آفرینش انسان به خودش مباحث می ورزد [مومنون: ۱۴] را می توان بخشی از پایه های دینی بی به شمار آورد که زیبایی را به عنوان هدف آفرینش انسان به حساب می آورد. جلوه معشوق اگر افتاد بر عاشق چه باک
ما به او محتاج بودیم او به ما مشتاق بود
حافظ

انسان در بهترین صورت ممکن و خداگونه آفریده شده است تا مظهر و مظهر زیبایی و صفات کامل الهی

ناروشنی آن می-افزاید.

۳) ساخت و ساز زمین

در دیدگاه چهارمی می توان میان عبادت و ساخت و ساز زمین جمع کرد؛ کما این که، هدف از آفرینش انسان را عبادت - که خلافت را نیز می توان بخشی از آن به حساب آورد - و آبادانی زمین تشکیل می دهد. در این دیدگاه هم عبادت [ذاریات: ۵۶] و هم ساختن زمین [هود: ۶۱] به عنوان هدف آفرینش انسان به شمار آمده و ظاهراً رویکردی جمع گرایانه دارد. در این که ساختن و آبادانی زمین نیز یکی از اهداف آفرینش انسان ولو هدف ثانوی و فرعی - است، تردید چندانی نمی توان داشت.

تاریخ از خم کوچه پنجم سپتمبر ۲۰۱۵ میلادی می گذشت و ساعت نیز به مرزهای یازده قبل از ظهر نزدیک تر می شد که از فرودگاه پاریس به سوی شهر Dussenford آلمان حرکت کردم. فرانسه از فضا کاملاً سرسبز به نظر می آمد و نشانه آبادانی و جادوی دست قدرت انسان در همه جای این جغرافیا مشهود بود. شهرها همچون لانه های زنبور عسل به چشم می آمد و نشانه های تراکم نفوس در آنجاها به چشم می خورد. از فرانسه که به قلمرو آلمان عبور کردیم، سرسبزی، جنگلات، جاده های افتاده و طولانی و ناهمواری ها بیشتر شد و نشانه های ابداع و آبادانی پُرنرنگ تر از فرانسه به نظر می آمد.

منظر عجیب و خیره کننده فرانسه و آلمان، مرا به اندیشیدن در باب فلسفه خلقت رهنمون شد و تا آیه «هُوَ أَنشَأَكُم مِّنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا» که بر آفرینش انسان از زمین و رسالت او در آبادانی زمین گواهی می دهد، مسیر بخشید. آنگاه بود که به یکی از اهداف آفرینش انسان که همانا آبادانی زمین است، بیشتر پی بردم.

به هر روی، امکان آن وجود دارد که دیدگاه چهارم و اول را یکی بدانیم و عبادت را به معنای وسیع کلمه، شامل آبادانی زمین نیز در نظر آوریم. به ویژه این که، میان آبادانی زمین و عبادت به معنای موسع آن، نسبت عموم و خصوص مطلق برقرار است و آبادانی زمین را نیز می توان تحت چتر عبادت - به معنا اعم کلمه - در آورد. در هر صورت چه آبادانی و عبادت را دو هدف متفاوت بدانیم، و یا هم هدف واحدی در نظر آوریم - دیدگاه اول و چهارم بر اصل کلامی اختیار استوار است و جنبه های تکوینی آفرینش انسان را که امر غیراختیاری شمرده می شود، در نظر ندارد. اما

نظریه مکتب جمال پرستی در عرفان اسلامی و دیدگاه دایر بر حمل امانت در صورتی که حمل و عرضه امانت را امری تکوینی در نظر آوریم - التزاماً ناظر بر جنبه های تکوینی انسان است و هدف از آفرینش انسان را در بُعد تکوینی انسان که خارج از دسترس اراده او قرار دارد، قرار می دهد. در نگاه های اول و چهارم، هدف آفرینش آدمی تا هنوز به طور آن چنانی برآورده نشده است و انسان بایست در راه تحقق آن، با ابزار اختیار و آزادی و با به کار بستن استعداد های انسانی خودش سعی و فوری به خرج دهد؛ در حالی که نظریه های دوم و سوم، با تکوینی تلقی کردن هدف خلقت انسان، ظاهراً این هدف را برآورده شده می دانند و جمال مطلق و برین خودش را در انسان نمودار ساخته است؛ کما این که امانت الهی نیز به صورت تکوینی توسط انسان برداشته شده است. با توجه به بیان اخیر، هدف از آفرینش انسان توسط خدا عملاً متحقق شده است. اگر آبادانی را نیز از زمره اهداف آفرینش انسان به حساب آوریم، آنگاه غیرمسلمانها به ویژه امریکا و غرب - در تحقق این هدف، بیش از مسلمانها قدم برداشته اند و به پیش تاخته اند که آبادانی سرزمین های آن ها و رشد چشم گیر تکنولوژی و صنعت بر آن گواهی می دهد.

با توجه به آنچه گفته آمدیم، در نگاهی جمع گرایانه می توان هدف از آفرینش انسان را به دو دسته تکوینی و اختیاری تقسیم کرد. از این منظر، هدف-های تکوینی آفرینش انسان تحقق یافته و انسان در بهترین صورت ممکن آفریده شده است. اما اهدافی که تحت اختیار انسان باید انجام گیرد، تا هنوز تحقق نیافته است. نه عبادت به معنای عام کلمه و نه هم آبادانی زمین به صورت کلی، هیچ کدام جامعه عمل نبوده اند، بلکه - به دلیل آن که همه انسانها حقیقت جو نیستند، و بر فرض حقیقت جویی نیز، هر جست وجویی ره به حقیقت نمی برد - تحقق نخواهند یافت.

قرار گیرد. با این بیان، نموداری جمال مطلق الهی در انسان را می توان هدف آفرینش او به حساب آورد که بیش از بُعد تشریحی، به بُعد تکوینی انسان رابطه می گیرد.

۲) حمل امانت

آسمان بار امانت نتوانست کشید
قرعه فال به نام من دیوانه زدند
حافظ

دیدگاه سوم در باب فلسفه آفرینش انسان را می توان حمل امانتی در نظر آورد که به آن در نص قرآنی [احزاب: ۷۲] تصریح شده است. انسان در این نگاه، حامل امانتی شد که آسمانها، زمین و کوه ها از حمل آن خودداری ورزیدند. این تقریر از فلسفه خلقت چندان روشن نیست. زیرا مسأله حمل امانت دست خوش تفسیرهای گوناگونی بوده است که از میزان وضوح و صراحت آن می کاهد.

مفسرین در تفسیر امانت مذکور در آیه، اقوال مختلفی دارند:

۱. مراد از امانت، عقلی است که ملاک تکلیف، مناط ثواب و عقاب است.
۲. مراد از آن، قول «لا اله الا الله» است.
۳. مراد از آن، اعضای بدن؛ چشم، گوش، دست، پا، عورت و زبان است که بر آدمی واجب است این امانت را حفظ نموده و جز در مواردی که خدا راضی است به کار نگیرد.
۴. مراد از آن، امانت های مردم و وفای به عهد ایشان است.
۵. مراد از آن، معرفت خدا و لوازم آن است، و این وجه از همه وجوه به حق نزدیک تر است و برگشتش به همان وجهی است که ما ذکر کردیم.

به همین سان، مفهوم «عرضه» در آیه فوق موضوع گفت و گو است. تمثیلی بودن و یا حقیقی بودن مفهوم «عرضه»، مسأله دیگری است که میان مفسران اختلاف نظر است. اگر «عرض» را به معنای حقیقی آن در نظر آوریم، آنگاه با این پرسش که «عرضه امانت به صورت لفظی بوده است و یا تکوینی؟» برمی خوریم. با این بیان، مفهوم امانت و هم مفهوم عرضه امانت وضوح و خوانایی لازم ندارند. بنابراین، اگر فلسفه آفرینش انسان را بر اصل حمل امانت متکی بدانیم، ناروشنی مفهوم امانت و حمل آن، فلسفه آفرینش ناروشنی به دست خواهد داد که گونه گونی تفسیرها، بر ابهام و

یک مقام دولت افغانستان: مذاکرات صلح به چالشی طولانی تبدیل شده است

در حالی که حکومت افغانستان برای آغاز روند مذاکرات مستقیم صلح با طالبان مسلح در هفته اول ماه مارچ سال جاری میلادی اصرار می‌ورزد، برخی مقامات افغانستانی این اقدام را به دلیل نبود فرصت کافی در روزهای آینده اشتباه می‌دانند.

یکی از مقامات افغانستانی وابسته به گروه چهارجانبه مذاکرات صلح به «اکسپرس تریبون» گفت: احتمال دارد روند مذاکرات صلح بین حکومت افغانستان و طالبان این کشور به چالشی طولانی مدت تبدیل شود. وی افزود: آغاز مذاکرات احتمالی با طالبان افغانستان به دلیل نبود فرصت کافی برای تصمیم‌گیری در طول چند روز آینده یک اقدام اشتباه و ارزیابی نادرستی بوده است.

این مقام افغانستانی در ادامه ارائه لیست ۱۰ نفره رهبران طالبان را از سوی حکومت افغانستان به پاکستان برای حضور آنها در روند مذاکرات مستقیم صلح با دولت کابل را تکذیب کرد.

گروه چهارجانبه مذاکرات صلح در چهارمین نشست خود در کابل گروه‌های طالبان و حزب اسلامی را برای شرکت در مذاکرات احتمالی در هفته اول ماه مارچ سال جاری میلادی در اسلام‌آباد دعوت کرد.

این در حالی است که اعضای گروه هماهنگی چهارجانبه از جمله پاکستان و چین می‌گویند؛ دفتر سیاسی طالبان در قطر تمایلی برای پیوستن به روند مذاکرات مستقیم صلح با دولت کابل ندارد.

سفیر چین در افغانستان در این باره گفت: مقامات پکن با نمایندگان طالبان در دفتر سیاسی قطر تماس گرفته‌اند، اما به نظر می‌رسد این گروه تمایلی برای پیوستن به روند صلح از خود نشان نمی‌دهد، ولی اصل مسئله حضور در روند مذاکرات صلح را رد نمی‌کنند.

وی اظهار داشت: پاکستان نیز با نمایندگان دفتر سیاسی طالبان در قطر نیز گفت‌وگو کرده است، اما گروه طالبان افغان از عدم آمادگی خود برای مذاکرات مستقیم با دولت کابل خبر داده‌اند.

حکومت افغانستان نیز بر این امر تأکید دارد که پیامی را به گروه طالبان و حزب اسلامی برای حضور در روند مذاکرات مستقیم صلح ارسال کرده، اما تاکنون پاسخی در این باره دریافت نکرده است.

با این وجود طالبان بر خواسته‌های خود از جمله خروج کامل نیروهای خارجی از افغانستان، حذف نام رهبران این گروه از لیست سیاه سازمان ملل و آزادی زندانیان آنها تأکید دارند.

به گفته اعضای گروه هماهنگی چهارجانبه، افغانستان بر این امر اصرار می‌ورزد که هر چه سریع‌تر مذاکرات مستقیم صلح میان دولت کابل و طالبان در کوتاه‌ترین زمان ممکن برگزار شود.

در حالی که پاکستان، چین و آمریکا برای برگزاری زود هنگام مذاکرات صلح مخالفت خود را در آخرین نشست گروه چهارجانبه اعلام کرده‌اند، اما افغانستان به خاطر کاهش درگیری‌ها و جلوگیری از گسترش جنگ در فصل جنگی جدید طالبان بر این امر اصرار می‌ورزد.



اکسین در پیوند به هراس کمیسیون انتخابات از اصلاحات انتخاباتی:

نظام انتخاباتی به تغییر بنیادی نیاز دارد



در نظرسنجی‌هایی که با مردم داشت بر ضرورت اصلاحات عمیق و بنیادین در تمامی سطوح نظام انتخاباتی تأکید ورزیده است.

اما در این میان، مجلس نمایندگان در همسویی با کمیسیون‌های انتخاباتی قرار گرفته است. برخی نمایندگان مدعی هستند که از آینده کمیسیون‌ها نمی‌دانند؛ ممکن آن‌ها انتخابات بعدی پارلمانی را برگزار کنند. از این رو، تقابل با کمیسیون انتخاباتی ممکن به خیر آن‌ها نباشد.

ظاهراً دلیل عمده مخالفت مجلس با اصلاح قوانین انتخاباتی همین مسأله بوده است. در کنار این، حلقه‌های در مجلس کار می‌کنند تا مانع اصلاح نظام انتخاباتی شوند. برخی منابع می‌گویند که این حلقه‌ها ریشه در ارگ ریاست جمهوری دارند.

تقلبات میلیونی در این انتخابات سبب شد که قدرت میان دو نامزد تقسیم شود و دولت وحدت ملی شکل گیرد.

جامعه جهانی تأکید کرده که بدون واردکردن اصلاحات در نظام انتخاباتی حاضر نیست، یک دالر هم در راستای برگزاری انتخابات‌های بعدی افغانستان مصرف کند.

حالا میان ارگ ریاست جمهوری و ریاست اجرایی بر سر چگونگی واردکردن اصلاحات در نظام انتخاباتی اختلافاتی وجود دارد.

ارگ خواستار اصلاحات صوری است، اما ریاست اجرایی اصلاحات عمیق و بنیادین در نظام انتخاباتی را خواستار شده است.

در این حال، کمیسیون اصلاحات انتخاباتی نیز

کمیسیون انتخابات نگران آوردن اصلاحات در این نهاد می‌باشد.

سخنگوی این کمیسیون دیروز گفت که رهبران حکومت زیر نام اصلاح نظام انتخاباتی در پی تضمین منافع شخصی‌شان هستند و تلاش می‌کنند تا افراد مورد علاقه‌شان را در این پست‌ها جای‌گزین کنند. نور محمد نور، سخنگوی کمیسیون مستقل انتخابات دیروز در نشستی گفت:

«اصلاحات در هر روند جایگاه خود را دارد؛ ولی نه اصلاحات شکلی. حکومت فعلی افغانستان در فکر این است که کمیسیون مستقل انتخابات را هم مثل یک کیک تقسیم و نوش جان کنند، این یک ضربه جبران‌ناپذیر برای دموکراسی نوپای افغانستان است.» آقای نور افزود، بر اساس قانون اساسی افغانستان برگزاری انتخابات به وقت و زمان آن حق افغان‌ها است و حکومت باید نیازهای مالی، تخنیکی و امنیتی آن را فراهم سازد.

اما عبدالرحمن ننگ عضو نهاد اکسین یا نهاد جامعه مدنی برای انتخابات که در این نشست حضور داشت گفت، حکومت و کمیسیون مستقل انتخابات در برخی موارد انتخابات قبلی قانون را مراعات نکرده و نیاز است تا در انتخابات آینده تغییر بنیادی ایجاد گردد.

حکومت افغانستان می‌گوید، بدون ایجاد اصلاحات در نظام انتخاباتی برگزاری انتخابات ناممکن است و این مسأله‌ی است که جامعه جهانی نیز بر آن تأکید می‌کند.

کمیسیون انتخابات درحالی از واردکردن اصلاحات در این نهاد نگران است که انتخابات ۲۰۱۴ لقب رسوا ترین انتخابات جهان را از آن خود کرد.

شورای عالی صلح:

هیچ بخشی از طالبان

از نفوذ گروه چهارجانبه خارج نیست



هارون مجیدی

صلح می‌گوید که تا هنوز مکان و تاریخ مشخص این مذاکرات معلوم نیست.

دولت افغانستان به تازه‌گی فهرست نام‌های ده طالبی را که قرار است در نشست گفت‌وگوهای صلح شرکت کنند، به پاکستان سپرده است، تا هنوز مشخصات و نام‌های این ده تن به رسانه‌ها داده نشده است.

اسماعیل قاسمیار مشاور امور بین‌المللی شورای عالی صلح با آن‌که از این طالبان نام نمی‌برد، اما می‌گوید: «هم‌آهنگی میان دولت و شورای عالی صلح وجود دارد و هیچ مسأله‌ی را از هم‌دیگر پنهان نمی‌کنند.» آقای قاسمیار تأکید می‌کند: مسوولان حکومت وحدت ملی رهبری پیشبرد گفت‌وگوهای صلح را به شورای عالی صلح سپرده‌اند.

آقای قاسمیار می‌افزاید: نشست چهارجانبه نقشه راه را ترسیم کرده و همه در هم‌آهنگی و با اشتراک مساعی، خود را مکلف می‌دانند تا در تحقق این نقشه همکاری داشته باشند.

به گفته مشاور امور بین‌المللی شورای عالی صلح: «پاکستان چنانی که تعهد سپرده، در تلاش است تا

بعد از تلاش‌های چندین ساله دولت افغانستان و مصرف پول هنگفت برای آوردن صلح در کشور، شورای عالی صلح سپردن فهرست نام‌های ده تن از اعضای گروه طالبان را به پاکستان برای آمدن در میز مذاکره از نخستین گام‌ها و مقدمات آوردن صلح می‌داند.

اسماعیل قاسمیار مشاور امور بین‌المللی شورای عالی صلح در گفت‌وگو با روزنامه ماندگار می‌گوید: نیاز است تا در ابتدا فراخوان داده شود و چنانی که اعلام کردیم، ما بدون هیچ قید و شرطی به میز مذاکره حاضر می‌شویم.

به گفته آقای قاسمیار: بعد از حاضرشدن گروه طالبان، مطالبات مشروع و شرایط خود را با توجه به امکانات در میز مذاکره مطرح خواهیم کرد.

براساس اعلامیه آخرین نشست گروه هماهنگی چهارجانبه که در کابل برگزار شد، روند مذاکرات مستقیم صلح میان کابل و طالبان مسلح در هفته اول ماه مارچ سالجاری میلادی در اسلام‌آباد برگزار خواهد شد؛ اما مشاور امور بین‌المللی شورای عالی

گروه‌هایی را که با این کشور نزدیک هستند، نظیر گروه اختر محمد منصور و شبکه حقانی، بخواهند تا در میز مذاکره شرکت کنند.

آقای قاسمیار با اشاره به گروه‌های دیگری که از شاخه طالبان جدا شده‌اند می‌گوید: این گروه‌ها از نفوذ چهار کشور برگزار کننده نشست هم‌آهنگی خارج نیستند، اما در عمل دیده شود که کدام گروه‌ها در این مذاکرات شرکت خواهند کرد.

گلبدین حکمتیار یکی از مخالفان حکومت به تازه‌گی اعلام کرده که به صورت مستقیم وارد گفت‌وگوهای صلح با دولت افغانستان خواهد شد که مشاور امور بین‌المللی شورای عالی صلح با پیچیده و شکنند خواندن روند گفت‌وگوهای صلح از دادن جزئیات در این زمینه امتناع کرد.

در عین حال، ریاست‌جمهوری افغانستان اعلام کرده که تنها با طالبانی که خشونت را کنار بگذارند مذاکره خواهد شد.

معاون سخنگوی رییس‌جمهور می‌گوید که حکومت تنها با آن دسته از طالبانی در روند مذاکرات مستقیم صلح گفت‌وگو می‌کند که خشونت و درگیری را کنار بگذارند.

سید ظفر هاشمی، معاون سخنگوی رییس‌جمهور می‌گوید: طالبانی که برای اهداف عوامل خارجی در افغانستان دست به خشونت می‌زنند، در روند مذاکرات صلح جایی ندارند.

آقای هاشمی گفته است که حکومت وحدت ملی افغانستان تنها با گروه‌هایی از طالبان گفت‌وگو خواهد کرد که فعالیت‌های خشونت‌آمیز خود را متوقف کنند.

به گفته معاون سخنگوی رییس‌جمهور: با کسانی که برای خارجی‌ها در افغانستان دست به هراس‌افکنی می‌زنند و فعالیت‌های خود را ادامه می‌دهند، مذاکره‌ی صورت نمی‌گیرد و توسط نیروهای امنیتی و نظامی کشور سرکوب می‌شوند.

حکومت افغانستان از گروه طالبان می‌خواهد تا سلاح‌شان را به زمین بگذارد، قانون اساسی افغانستان را قبول کند و رابطه خود را با گروه‌های القاعده و شبکه حقانی قطع کند، خواستی که تا اکنون از سوی طالبان پذیرفته نشده است.

گروه طالبان نیز به نوبه خود پیش شرط دارد: تعیین زمان خروج قوای بین‌المللی از افغانستان و تغییر در قانون اساسی کشور، از جمله پیش شرط‌های عمده طالبان به شمار می‌رود، شروطی که حداقل تا حال مورد پذیرش حکومت افغانستان نیست.

فیسبوک نامه

نصیر احمد ترهکی



نویسنده مسلمان کجاست؟

رفتن به کتاب فروشی یکی از عادات همیشه‌گی من بوده است. از چند هفته که در هند هستم، چندین بار به کتاب فروشی‌ها رفتم. قفسه کتاب‌های دل‌خواه من همیشه Non-Fiction بوده است، خصوصاً بخش سیاست و ادیان. هر باری که به بخش ادیان مراجعه می‌کنم حضور کتاب‌های اسلامی یا هم نوشته‌های علمای اسلام به زبان انگلیسی کم رنگ است. به حدی که در دو کتاب فروشی بزرگ در شهر بنگلور هیچ کتاب مذهبی از نویسندگان مسلمان ندیدم. امروز هم سری زدم به یکی از شاخه‌های کتاب فروشی Crossword در شهر حیدرآباد. هیچ کتابی در باب اسلام، فلسفه اسلامی، جهان بینی اسلامی، تاریخ اسلام و... اسلامی از کدام نویسنده مسلمان ندیدم. معدود کتاب‌های پُر فروشی که در باب اسلام نوشته شده‌اند، مال نویسندگان غیر مسلمان‌اند. در این صورت شما می‌دانید که چه تصویری از اسلام ارایه می‌گردد!

فقدان معلومات موثق باعث شده که اکثریت غیرمسلمانان، اسلامی را که توسط داعش، القاعده و طالبان به نمایش گذاشته می‌شود، بپذیرند. آن‌ها فکر می‌کنند که اسلام یعنی همین سر بریدن، تجاوز، انفجار و انتحار!

حضور نویسندگان مسلمان که تصویر روشن و کامل از اسلام ارایه کنند، در این کتاب فروشی‌ها بسیار کم رنگ است. نمی‌دانم نویسندگان مسلمان چرا کم‌تر به زبان انگلیسی نوشته می‌کنند؟ اگر نوشته می‌کنند چرا به مارکیته بزرگ فروش کتاب مثل هند نشر و پخش نمی‌شود؟ در شرایط کنونی که بیشترین آثار به زبان انگلیسی نشر می‌شوند و همه دانش‌مندان غیرمسلمان تلاش دارند تا آثارشان را به زبان انگلیسی نشر کنند و دایره نفوذشان را در میان انگلیسی زبان‌ها وسعت بخشند، نویسندگان مسلمان مصروف چه‌اند؟ چرا خودمان را از محراق بحث دور نگهداشته‌ایم؟ چرا میدان را به رقبایمان داده‌ایم؟

در شرایطی که قدرت نرم یا همان Soft Power به مراتب تاثیرگذارتر از قدرت گرم است، علمای ما مصروف بحث حقوق کنیز و برده از دید اسلام‌اند. در این شرایط حساس هنوز هم علمای مسلمان در این مورد بحث می‌کنند که گرز ملائکه اعزاب در آخرت ۳۲ گز است یا ۳۲ متر یا این که حضرت عثمان «رض» سزاوار خلافت بود یا حضرت علی «رض».

به نظر ما، در شرایط کنونی کلیت، مفهوم و ماهیت دین اسلام به چالش کشیده شده است. زمان حساس است از موضوعات فرعی باید بیرون بیایم و کاری باید صورت گیرد که در گفتمان مدرن، اسلام را قصداً به حاشیه نبریم و میدان را برای رقیبان خویش نگذاریم.

جعفر عطایی



این مهم نیست که در واقعیت، حبیب الله کلکانی که بود؛ مهم این است که فعلاً جامعه تاجیک او را در باور و خاطره جمعی‌شان چگونه شخصیتی می‌بینند. باز تولید و بازآفرینی شخصیت حبیب الله کلکانی وقتی اهمیت پیدا می‌کند که جنگ قدرت در افغانستان به صورت روزافزون قومی می‌شود و در این جنگ قومی قدرت، حبیب‌الله کلکانی، قهرمان نخستین جامعه تاجیک است.

در گذشته تاجیکان در یک گذشته افسانوی و اسطوره‌یی گم بودند. شاهنامه و رستم و سهراب و تاریخ کهن با وجود این که در اذهان تاجیکان حضور فرهنگی و ادبی داشت، با تاریخ معاصر و امروزی تاجیکان چندان پیوند محسوس و زنده ایجاد نمی‌کرد. دوست و دشمن شاهنامه، در روزگار کنونی تاجیکان آدرس روشن ندارد، ولی چهره‌هایی چون حبیب الله کلکانی و یا احمدشاه مسعود کارنامه زنده و محسوس دارند. دشمنان حبیب الله کلکانی، در ذهن تاجیکان زنده و دارای آدرس روشن است. قصه جنگ و غارت شمالی امروزی است و درد و رنج آن تا هنوز برای تاجیکان ملموس و محسوس است. افسانه و اسطوره نیست. قصه کتابی نیست. روایت زنده محافل و مجالس است.

تشییع و تدفین جنازه حبیب الله کلکانی بعد از هفت دهه در پایتخت کشور و مقبره و مزار ساختن برای او، یک گام بسیار بلند و معنی‌دار در تاریخ سیاسی تاجیکان است و هویت سیاسی تاجیکان صاحب یک نماد مشخص و روشن دیگر می‌شود.

هزاره‌ها باید حامی احیای هویت سیاسی تاجیکان باشند و در فرجه شدن این هویت به آنان کمک شوند. فرجه شدن نمادهای تاریخی‌بی چون حبیب الله کلکانی به سود هزاره‌ها است. بین تاجیکان ضعیف و یا قوی، هزاره‌ها همیشه باید خواستار تاجیکان قوی باشند، حتی اگر رابطه هزاره‌ها و تاجیک‌ها خصمانه هم باشد.

عارف فرمان



حتا در گویش عادی مردم ما خشونت لمس می‌شود، بدون آن‌که به آن فکر کنیم. خشونت نهادینه شده و ساختار فکر و اندیشه خانواده باید عوض شود.

در اصطلاحاتی چون «جواب دندان شکن» که دل آدم‌ها باغ باغ هم می‌شود خشونت هم‌رایی دارد. آن‌گاه که مشت بود دندان شکن بود و حالا سخن همین کار را انجام می‌دهد. کاش مردم ما روزی دندان شکنی را ترک و شاد ساختن هم میهنان‌شان را بیشتر به تجربه بنشینند.

نواز شریف از بن لادن برای رقابت با بی نظیر بوتو پول گرفته بود

همسر افسر سابق سازمان اطلاعات ارتش پاکستان در کتاب خود نوشته است که نخست‌وزیر کنونی این کشور در رقابت با حزب مردم به رهبری «بی نظیر بوتو» در انتخابات گذشته از سرکرده سابق القاعده کمک مالی دریافت کرده بود.

شمامه خالد، همسر خالد خواجه افسر سابق سازمان اطلاعات ارتش پاکستان (آی اس آی) در کتاب خود با نام «شهید امن»، «نواز شریف» نخست‌وزیر این کشور را به دریافت کمک مالی از سرکرده سابق القاعده متهم کرده است. او نوشته که نخست‌وزیر کنونی پاکستان پس از حکومت ضیاء الحق دیکتاتور سابق این کشور، برای مقابله با بی نظیر بوتو نخست‌وزیر سابق پاکستان در انتخابات، از اسامه بن لادن کمک مالی دریافت کرده بود.

همسر افسر سابق آی اس آی مدعی است که تعهدات نواز شریف در مورد قیام نظامی اسلامی در پاکستان نه تنها نگاه همسرش، بلکه اسامه بن لادن را نیز به سوی خود معطوف کرده بود، اما پس از دریافت کمک مالی بسیار و روی کار آمدن، از تعهدات خود سرپیچی کرد.

به گفته شمامه، «عبدالله اعظم» بنیان‌گذار جهاد جهانی (تبعه فلسطین)، خالد خواجه را به اسامه بن لادن معرفی کرده بود و عبدالله پس از جمع‌آوری کمک مالی، جنگ‌جویان عرب را استخدام کرد که پس از آن، با نام عرب افغان شناخته شدند.

همسر افسر سابق آی اس آی سخنان «حمید گل» رییس سابق این سازمان را نیز مبنی بر روابط خالد خواجه با نواز شریف در کتاب خود آورده است. او می‌افزاید: عبدالله اعظم، اسامه بن لادن را برای سفر به افغانستان متقاعد کرده بود.

خالد خواجه افسر سابق آی اس آی در دوران مأموریت صلح در مناطق قبایلی پاکستان که همراه با سرهنگ امام و اسد قریشی خبرنگار انگلیسی به وزیرستان شمالی سفر کرده بود، توسط تحریک طالبان کشته شد.

براساس این کتاب، خالد خواجه و سرهنگ امام توسط تحریک طالبان پاکستان کشته شدند در حالی که خبرنگار انگلیسی در ازای مبلغی آزاد شد. رسانه‌های پاکستانی چند پیش مدعی شدند که خالد خواجه همراه با دو نفر دیگر در ۲۶ مارچ سال ۲۰۱۰ میلادی در وزیرستان شمالی ناپدید شدند و جسد آن‌ها پس از چند هفته در این منطقه کشف شده است.

خالد خواجه در سال ۲۰۱۰ میلادی در دوران مأموریت صلح خود با «ولی الرحمان محسود»، «حکیم الله محسود» سرکرده‌گان سابق تحریک طالبان و شیرخان فرمانده شبکه حقانی دیدار کرده بود.

در واکنش به ادعای امریکا

ارتش چین از آماده‌گی دفاعی خود خبر داد

پس از آن‌که امریکا بار دیگر از حضور نظامی خود در منطقه شرق آسیا برای به اصطلاح دفاع از هم‌بیمانان منطقه‌یی‌اش خبر داد، یکی از فرماندهان عالی‌رتبه نظامی چین با هشدار نسبت به این حضور گفت که ارتش آزادی‌بخش در دفاع از تمامیت ارضی خود کاملاً آماده است.

جنرال وانگ جیاو چانگ، که به تازه‌گی فرماندهی واحد نظامی جنوبی تازه تأسیس ارتش آزادی‌بخش چین را بر عهده گرفته، روز گذشته در سخنانی اعلام کرد که چین آن‌قدر از قابلیت‌های رزمی بالا برخوردار است که بتواند از حق حاکمیت خودش در دریاها دفاع کند.

او گفت که تمامی تحركات در این منطقه را زیر نظر داریم و هر تهدید امنیتی را رصد خواهیم کرد و اجازه نقض تمامیت ارضی خود را به کسی نخواهیم داد.

این مقام چینی گفت که به غیر از مساله تائین مرزها همه باید آگاه باشند که پیشرو این مأموریت‌ها حراست از حق حاکمیت چین در منطقه پرمنازعه دریای جنوبی است

اشتاین مایر:

اتحاد تنها راه حل بحران مهاجران است

وزیر خارجه آلمان اعلام کرد که اتخاذ یک مسیر مشترک توسط اتحادیه اروپا تنها راه‌حل بحران پناه‌جویان است.

فرانک والتر اشتاین مایر، وزیر خارجه آلمان اعلام کرد کشورهای عضو اتحادیه اروپا باید به منظور حل بحران پناه‌جویان در این بلوک با یکدیگر همکاری کنند و از مقصر شناختن هم پرهیز کنند.

او در این باره گفت: ما باید برای اروپا بجنگیم. ما باید به متهم کردن یکدیگر پایان دهیم. در مقابل باید نیروهای خود را متحد کرده و برای یافتن راه‌حلی درمورد بحران پناه‌جویان با یکدیگر کار کنیم. این تنها راهی است که اروپا می‌تواند از این بحران سربلند خارج شود.

وزیر خارجه آلمان افزود: در داخل اتحادیه اروپا هیچ طرفی از مقصر شناختن یکدیگر منفعت نخواهد برد. در این صورت حتا یک گام هم در جهت حل بحران پناه‌جویان به جلو برنخواهیم داشت. اختلافاتی که اکنون شکل گرفته باید با تلاش بار دیگر رفع شوند.

این اظهارات درحالی مطرح شده است که صدر اعظم اتریش بی‌توجه به انتقادهای بخصوص از طرف یونان بر ادامه سیاست‌های سخت‌گیرانه کشورش در قبال پناهنده‌گان تأکید کرده و اعلام کرد که آتن در این بحران مانند آژانس مسافرتی عمل می‌کند.

وزیر فایمن، صدراعظم اتریش سیاست سخت‌گیرانه کشورش در بحران پناهنده‌گان را به عنوان نوعی دفاع از خود ارزیابی و تأکید کرد که در مناقشات بر سر این سیاست‌ها کوتاه نمی‌آید.

او تصریح کرد که همچنان معیار پذیرش حدود ۳۷ هزار و ۵۰۰ پناهنده در سال جاری میلادی را رعایت خواهد کرد.



بارسلونا

به رکورد رئال مادرید رسید



بارسلونا به رکورد شکست ناپذیری رئال مادرید در فصل ۸۹-۱۹۸۸ رسید. به گزارش آس، بارسلونا یکشنبه شب در هفته بیست و ششم لالیگا، دو بر یک سویا را شکست داد. شاگردان لویس انریکه بعد از این پیروزی، به رکورد ۳۴ بازی بدون شکست رسیدند و با رکورد رئال مادرید پنج ضلعی خوفناک (el Madnid de la Quinta del Buitre) در فصل ۸۹-۱۹۸۸ که تحت هدایت لئو بین‌هاکر، سرمربی هلندی وقت این تیم بود، برابری کرد. البته آمار آبی‌اناری‌ها نسبت به مادرید آن زمان، فوق‌العاده است. بارسلونا ۱۰۲ گل وارد دروازه حریفان کرده و تنها ۱۹ گل خورده است.

مادرید تحت هدایت بین‌هاکر که ۲۵ پیروزی و ۹ تساوی را بدست آورد، ۸۵ گل به ثمر رساند و ۳۴ گل دریافت کرد. رکورد آبی‌اناری‌ها با شرایطی که این تیم دارد، بهتر خواهد شد.

بارسلونا این شانس را دارد در دیدار بعدی این تیم که پنجشنبه شب در خانه رایوایکانو برگزار می‌شود، باز هم شکست نخورد و رکورد شکست ناپذیری‌اش را به ۳۵ دیدار برساند تا بالاتر از رئال مادرید رکورددار شود.

ناراحتی شدید یورگن کلپ به خاطر نایب قهرمانی



سرمربی آلمانی لیورپول از عملکرد شاگردانش در دیدار برابر منچستر سیتی راضی است اما از شکست در فینال جام اتحادیه ناراحت شده است. به گزارش اسکای اسپورتنس، لیورپول بهترین فرصت برای کسب جام را از دست داد. این تیم در فینال جام اتحادیه انگلیس با هدایت یورگن کلپ در ویمبلی به مصاف منچستر سیتی رفت.

این دیدار در پایان ۹۰ دقیقه و وقت های اضافی برنده نداشت و بازی با تساوی یک بر یک به پایان رسید تا کار به ضربات پنالتی کشیده شود. در نهایت هم منچستر سیتی توانست چهار بر دو پیروز شده و با درخشش کاپاپرو، دروازه‌بان این تیم، جام قهرمانی را بالای سر ببرد.

طبیعی است که یورگن کلپ از این ناکامی بسیار ناراحت باشد. او در نشست خبری بعد از بازی گفت: باید اعتراف کنم بسیار ناراحت هستم و به شدت احساس ناکامی و ناامیدی می‌کنم. چیزهای جدید زیادی در این دیدار دیدم. تلاش بسیار زیادی از خود نشان دادیم. برای پیروز شدن در این دیدار سخت، هر آنچه را که در توان داشتیم رو کردیم.

او ادامه داد: هر کاری لازم بود انجام دادیم. یک گل به ثمر رساندیم و فرصت های گلزنی زیادی را هم خلق کردیم. باید بگویم بد شانس بودیم و چنین شکستی بسیار تاسف‌بار است. منچستر سیتی یک گل عجیب را وارد دروازه ما کرد. نباید چنین گل‌هایی دریافت کنیم. با این حال، نهایت تلاش خود را به کار گرفتیم تا جبران کنیم و در نهایت هم موفق شدیم. بر این باور هستم که در بیشتر زمان های بازی بهتر از حریف ظاهر شدیم. آنچه اکنون می‌گویم دیگر مهم نیست چراکه نتیجه بازی را تغییر نمی‌دهد و منچستر سیتی جام قهرمانی را بالای سر برده است.

کلپ در پایان سخنانش نیز گفت: همه ما احساس یکسانی داریم و از این شکست تلخ، ناراحت هستیم. چنین ناکامی‌هایی موجب می‌شود خیلی زود بازگردیم و به راهمان ادامه دهیم. باید این مسیری را که در پیش گرفتیم، ادامه دهیم و نهایت تلاش خود را به کار بگیریم تا به جایگاهی که شایسته آن هستیم، دست پیدا کنیم.

دموکراسی در سطح جهانی در خطر است



بنیاد برتلسمن وضعیت دموکراسی در بسیاری کشورها را مکرر توصیف نموده است. بر اساس گزارش این بنیاد در شمار فزاینده کشورها حقوق مدنی و آزادی‌ها محدود گردیده و یا کاملاً سرکوب شده است، آنهم نه فقط در حکومت‌های خودکامه جهان.

بنیاد پژوهشی آلمانی برتلسمن در شاخص خود موسوم به «شاخص گذار برتلسمن» تصریح کرده است که در یک پنجم کشورهای جهان دموکراسی به وضاحت محدود گردیده و سرکوب مردم در اکثر مناطق جهان در حال افزایش می‌باشد. در برابر، فعالیت و سهم مشترک سیاسی در این کشور روز تا روز کاهش می‌یابد.

از سال ۲۰۰۶ به اینسو «شاخص گذار برتلسمن» هر دو سال یکبار موقعیت و موقف انکشافی ۱۲۹ کشور در حال توسعه و گذار را از وجه اقتصادی و سیاسی مورد ارزیابی قرار می‌دهد. گروه رتبه بندی بنیاد برتلسمن در پژوهشهای مذکور به ویژه وضعیت حکومت‌ها را بر مبنای قواعد یک حکومت قانونمدار و همچنان از وجه سیاست‌های اجتماعی مورد مطالعه قرار می‌دهد.

تشدید و تشکیل روزافزون «حکومت‌های خودکامه» بر اساس جدیدترین گزارش بنیاد برتلسمن، ۷۴ کشور جهان بر مبنای دموکراسی حکومت می‌کنند و ۵۵ کشور جهان توسط زمامداران خودکامه رهبری می‌گردند. بنابر این گزارش سرکوب شهروندان کشورهای تحت استبداد از سال ۲۰۱۴ به اینسو به شدت افزایش یافته است. در گزارش آمده است که شهروندان فقط ۱۵ کشور تحت رهبری زمامداران خودکامه بطور ناقص حمایت می‌گردند. در برابر حدود سه بر چهار حکومت‌های استبدادی به شدت حقوق و آزادی‌های شهروندان خود را محدود نموده و بنابر محدودیت‌های وضع

شده در این کشورها می‌توان آنان را سیستم‌های «به شدت مستبد» خواند.

در میان کشورهای شدیداً مستبد، اکنون پنج سال پس از «انقلاب بهار عربی» کشورهای شمال آفریقا نیز شامل می‌باشند. بنیاد برتلسمن با ابراز نگرانی شدید گزارش کرده است که در کشورهای مصر و تایلند آزادی بیان و رسانه‌ها به موانع جدی و عقب‌گرد مواجه می‌باشند.

در زمینه ایجاد محدودیت‌های شدید در آزادی انتخابات، کشورهای بوركینا فاسو و لیبیا از جمله کشورهای شدیداً استبدادی خوانده شده‌اند. آزادی تجمعات نیز در کشورهای مختلف جهان به شمول لیبیا، مصر و تایلند با محدودیت‌های جدی مواجه می‌باشد. در هر سه کشور متذکره به ویژه با بهانه مبارزه با تروریسم، محدودیت‌های شدیدی در عرصه‌های مختلف محسوس می‌باشد. همچنان دموکراسی‌های جهان نیز با محدودیت مواجه است.

در مطالعات اخیر نه تنها بر محدودیت‌ها در زمینه آزادی شهروندان و محدودیت‌های دیگر در کشور‌های استبدادی تأکید گردیده است؛ بلکه همچنان به ویژه با اشاره به وضعیت آزادی بشر در شماری از کشورهای اروپای مرکزی، تذکر رفته است که هنگری به یکی از جمله کشورهای «مستبد» مبدل شده است. بر اساس این گزارش در این کشور، در ادامه زعامت رئیس جمهور اوربان در زمینه آزادی رسانه‌های محدودیت‌های شدیدی وضع شده‌اند. بنابر این گزارش کشور‌های مقدونیه و سلوانیا نیز روز تا روز با تهدیدهای ایجاد محدودیت در زمینه آزادی‌های شهروندی مواجه می‌باشند. در ارتباط به اصلاحات اخیر در پولند، با آنکه در این گزارش تذکری صورت نگرفته است؛ اما بنیاد برتلسمن با استناد از قول ناظران از محدودیت‌های جدی در این کشور هشدار می‌دهد.

طالبان یک مکتب دخترانه را در بادغیس نابود کردند



مسؤولان آموزش و پرورش در ولایت بادغیس می‌گویند که طالبان حوالی ساعت هشت شب گذشته یک مکتب دخترانه را در روستای ایچکه ولسوالی مقر این ولایت منهدم کردند. عبدالقیوم ساجد، سرپرست ریاست آموزش و پرورش بادغیس می‌گوید که این مکتب دخترانه به شمول اداره، ۸ صنف درسی داشت که در آن ۲۹۰ دختر مصروف آموزش بودند، اما در نتیجه مابین‌گذاری طالبان کاملاً تخریب شده است. آقای ساجد همچنان می‌گوید که امروز زمانی که نیروهای امنیتی برای بررسی رویداد به منطقه اعزام شدند، طالبان به نیروهای امنیتی حمله کردند و درگیری میان نیروهای امنیتی و افراد این گروه ساعت‌ها طول کشید. طالبان تاکنون در این باره چیزی نگفته‌اند. مکتب دخترانه ایچکه دو سال پیش به ارزش بیش از ۵ میلیون افغانی توسط بانک جهانی ساخته شده بود.

آستی با طالبان محور گفت‌وگوهای مقامات نظامی پاکستان و امریکا



رییس ستاد فرماندهی مرکزی امریکا در دیدار با رییس ستاد ارتش پاکستان در راولپندی علاوه بر تمجید از دستاوردهای نظامیان این کشور در مبارزه با تروریسم، روند صلح افغانستان را مورد بحث قرار داد. جنرال لوید آستین رییس ستاد فرماندهی مرکزی امریکا در دفتر مرکزی ارتش پاکستان طی دیدار با جنرال راحیل شریف در مورد روند صلح افغانستان گفت‌وگو کرد. جنرال آستین در این دیدار از تلاش‌های ارتش پاکستان برای ثبات منطقه قدردانی کرد. وی همچنین نقش پاکستان در روند صلح افغانستان را مهم دانست. رییس ستاد ارتش پاکستان چندی پیش برای گفت‌وگو در مورد مسایل افغانستان و امنیت منطقه با ریچارد اولسون نماینده ویژه امریکا نیز در دفتر مرکزی ارتش پاکستان در شهر راولپندی دیدار کرده بود.

مقامات نظامی امریکا و پاکستان در این دیدار بر راه حل مسایل امنیتی منطقه به ویژه افغانستان تأکید کردند. راحیل شریف پس از سومین مذاکرات چهارجانبه صلح افغانستان در مورد این مذاکرات با اولسون دیدار کرده است. سومین دور از نشست چهارجانبه مذاکرات صلح افغانستان با حضور مقامات عالی چهار کشور پاکستان، افغانستان، چین و امریکا در اسلام‌آباد و چهارمین دور نیز در کابل برگزار شد.

یک شرکت روسی وسیله کشف و نابودی نشان‌زن‌ها را اختراع کرد

منبع: یاهو نیوز
 مترجم: الهام

رسانه‌های دولتی روسیه گزارش دادند که شرکت روسی سیستم‌های مخصوص تکنیکی ماشینی را به نام «ضد تک تیر انداز» اختراع کرده است. این وسیله که در ظاهر مشابه به دوربین روی سه پایه به نظر می‌رسد قادر است که تک تیر اندازان را تا فاصله دو نیم کیلو متر کشف کند.

آژانس ریانوستی گزارش داد که این وسیله، دید دوربین (تلسکوپیک ویزن) را از طریق منعکس شدن در لنز دستگاه و یا از طریق حرارت موجود در لنز دوربین تفنگ کشف می‌کند. این سیستم همچنان از تصویر یاب حرارتی بخاطر قابلیت دید شب/روز استفاده می‌کند.

وقتی نشان زن توسط این دستگاه شناسایی شود دستگاه لیزر مربوط این دستگاه می‌تواند تیر انداز را کور سازد. برای راه حل قطعی و نابودی نشان زن، از یک تفنگ اوریس تی ۵۰۰ دقیق تعبیه شده در کنار دستگاه نیز میتوان کار گرفت.

بنا به گفته سازنده دستگاه، این سیستم چند سال قبل به ونزویلا فرستاده شد و از یک سو قصد به جان هوگوچاوز رهبر ونزویلا توسط نشان زنی که در فاصله ۸۰۰ متری کمین کرده بود جلوگیری به عمل آورد. اما در گزارش گفته نشده که این دستگاه چگونه می‌تواند میان لنز کمره فوتوزورنالیست و لنز دوربین یک نشان زن فرق قایل شود.



خبرنگاران پروان:

حکومت به وضعیت امنیتی اصحاب رسانه توجه کند

شماری از خبرنگاران ولایت پروان با برگزاری یک گردهمایی در مورد وضعیت امنیتی و مصونیت کار آنان بحث کرده و از حکومت خواستند تا به خواسته‌های خبرنگاران توجه داشته باشد. این گردهمایی خبرنگاران در شهرچاریکار مرکز ولایت پروان برگزار شد و هدف آن جلب توجه حکومت برای امنیت کاری شان بود. عبدالواحد هاشمی رییس اطلاعات و فرهنگ ولایت پروان در این نشست خبرنگاران گفت: از حکومت می‌خواهند تا در زمینه محافظت از خبرنگاران جدید به خرج دهند. وی گفت: «تأکید تقاضا می‌شود و خواهشمند هستیم که اولیای محترم امور در سطح ولایت پروان ارگان‌های امنیتی در تامین امنیت دفاتر رسانه‌های همگانی اقدام و اجراءات عملی و مستقیم داشته باشند. از رسانه‌ها، از حق آزادی بیان و خبرنگاران عزیز حمایت و حراست صورت بگیرد».

در این میان، محمدایوب نسیمی مدیر مسوول یک مرکز رسانه‌ای در ولایت پروان گفت: خواهان رسیدگی به

خواست‌های خبرنگاران هستند تا حکومت برای مصونیت کار آنان توجه لازم داشته باشد. با این حال، عبدالوحد صدیقی سخنگوی والی پروان در مورد این خواسته‌های جامعه خبرنگاری در این ولایت به خبرنگاری جمهور گفت: حکومت در زمینه تامین امنیت ژونالستان کوتاهی نخواهد کرد. او گفت: «کوچک ترین خللی در حمایت و در نیت حکومت در قبال رسانه‌ها بوجود نیامده و همچنان حکومت افغانستان و مشخصاً حکومت محلی پروان نسبت به حمایت به رسانه‌ها قاطعیت را از گذشته‌ها دارد».

این نگرانی‌ها به خاطر موجودیت مشکلات در برابر کار و فعالیت خبرنگاران در ولایت پروان پس از آن بوجود آمد است که در این واکر تهدیدات شدیدی که متوجه خبرنگاران بوده روبه افزایش گذاشته است. چندی پیش، ساختمان یک رادیو محلی در مرکز این ولایت مورد حمله انفجاری قرار گرفته بود.